

آسیب‌شناسی کتاب‌های اخلاق قرآنی

و ارائه الگوی جدید از نظام اخلاقی قرآن*

حسن سراج‌زاده^۱

چکیده:

هدف از این نوشتار، آسیب‌شناسی کتاب‌های نوشته شده در موضوع اخلاق قرآنی از منظر سازمان‌دهی و نظام‌مندسازی آن و ارائه مدلی جدید برای نظام اخلاقی قرآن است. بدین منظور، با توجه به ضرورت نظام‌مندسازی معارف اخلاقی قرآن و آسیب‌هایی که در این زمینه در کتاب‌های موجود دیده می‌شود، به روش توصیفی تحلیلی، برخی از مهم‌ترین کتاب‌های مرتبط با اخلاق قرآنی ارزیابی شده و نقدهایی به لحاظ شکلی و محتوایی صورت گرفته است. سپس با معرفی نظام اخلاقی قرآن در قالب یک نظام مخروطی و هرمی شکل، ساختاری نظام‌مند مشتمل بر مبانی اخلاق، اصول اخلاق و اهداف اخلاق پیشنهاد و امتیازات مدل پیشنهادی تشریح شده است.

کلیدواژه‌ها:

اخلاق در قرآن / نظام اخلاقی قرآن / مبانی اخلاق / اصول اخلاق / اهداف اخلاق

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۲۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.48543.1689

بیان مسأله

قرآن کریم به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس اهمیتی فوق‌العاده و اخلاق را مسأله‌ای اساسی و زیربنایی برای دیگر برنامه‌های خود می‌داند. به تعبیر دیگر، می‌توان ادعا کرد از نگاه قرآن، اخلاق بر سایر احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده و در منظومه معارف قرآنی جایگاهی ویژه دارد. بهره‌مندی بیشتر از معارف اخلاقی قرآن مستلزم «فهم» آموزه‌های اخلاقی آن است. فهم آموزه‌های اخلاقی نیز مستلزم «کشف» آموزه‌های اخلاقی قرآن است. کشف این آموزه‌ها نیز کوششی علمی را لازم است تا بتوان به شیوه‌ای «روش‌مند»، به تحلیل آیات قرآن پرداخت و از درون متن وحیانی، نگاه اخلاقی قرآن به مسائل را استخراج و با تدوین «نظام اخلاقی قرآن»، نیک و بد افکار و افراد و رفتار را از این کتاب آسمانی تشخیص داد و به زیبایی‌های اخلاقی آراسته و از کژی‌های اخلاقی پیراسته شد.

نظام‌سازی آموزه‌های اخلاقی قرآن، ضمن روزآمد کردن قرآن در زمینه مسائل اخلاقی، الگویی برای استخراج سایر بخش‌های نظام اخلاقی اسلام (مانند نظام اخلاقی روایات) بوده و هم‌افزایی و ارتباط آنها با یکدیگر را نیز در دسترس می‌نهد. همچنین می‌توان پاسخی علمی برای پرسش‌های نوظهور اخلاقی یافت و راه‌حلی برای پدیده‌ها، معضلات و تعارض‌های اخلاقی نسل امروز ارائه کرد و با پیشگیری و درمان‌های اخلاقی، شفاف‌بخشی آیات قرآن را اثبات کرد و امتیاز والای اخلاق قرآنی و مرجعیت اخلاقی برای سایر نظام‌های بشری را نیز برای این کتاب آسمانی آشکار ساخت. تعیین اولویت‌های اخلاقی برای برنامه‌ریزی در تربیت صحیح و سریع‌تر اخلاقی نیز از مسیر نظام‌سازی آموزه‌های اخلاقی حاصل می‌شود که با توجه به فوایدی که برای نظام‌سازی قرآن بیان شد، ضرورت دارد مهم‌ترین کتاب‌هایی که به‌نوعی به اخلاق قرآنی و نظام‌سازی آن توجه داشته‌اند، بررسی و ارزیابی شوند و با ارائه مدلی برای نظام‌سازی آیات اخلاقی قرآن، به اهداف و فوایدی که برای نظام اخلاقی قرآن وجود دارد، دست یافت.

کتاب‌هایی که تا کنون به‌وسیله بزرگان اخلاق و نویسندگان اخلاقی در حوزه اخلاق قرآنی و نظام‌سازی آن به رشته تحریر درآمده، هر کدام به شیوه‌ای خاص



به نظام‌مندی معارف اخلاقی قرآن پرداخته‌اند که در این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به برخی از مهم‌ترین کتاب‌های نوشته شده در موضوع اخلاق قرآنی، به بررسی و نقد آنها از منظر نظام‌سازی معارف اخلاقی قرآن پرداخته شده است. بنابراین با توجه به اینکه در سابقه پژوهشی این موضوع، نقد و ارزیابی جامعی مشاهده نگردید، در ادامه نخست این کتاب‌ها ارزیابی و نقد شده و سپس مدل پیشنهادی برای نظام‌مندسازی معارف اخلاقی قرآن به اختصار ارائه شده است.

ارزیابی برخی از کتاب‌های مرتبط با اخلاق قرآنی

۱. احیاء علوم الدین و جواهر القرآن و ذرره

از آثار مرتبط با اخلاق قرآنی، یکی کتاب *احیاء علوم الدین* و دیگری *جواهر القرآن و ذرره*، از ابو حامد محمد غزالی است. وی در هر یک از این دو کتاب، طی نظامی خاص، اخلاق اسلامی را تدوین و نظام‌مند کرده و در این راستا، دو نوع نظام را پیشنهاد داده و در چارچوب همان نظام، به آیات قرآن نیز استشهاد و استناد کرده است.^۱

در کتاب نخست، ایشان کتاب خود را به چهار بخش تقسیم کرده که هر بخش نیز با عنوان «ربع» بوده و هر ربع مشتمل بر ده کتاب است. ایشان در مجموع، کتاب خود و مباحث اخلاقی را در چهل عنوان در نظام ویژه‌ای سامان داده است. بخش‌های چهارگانه *احیاء علوم الدین* عبارت‌اند از: ربع العبادات، ربع العادات، ربع المهلكات و ربع المنجیات.

در ربع العبادات اسرار اخلاقی عبادات را به‌خوبی بیان می‌دارد و بیشتر به اخلاق بندگی و رابطه میان انسان و خدا می‌پردازد؛ مانند کتاب *اسرار الزکاة* و *اسرار الصوم*، کتاب *الاذکار* و *الاوراد*.

ربع العادات به اسرار روابط میان خلق اشاره می‌کند و بیشتر، مباحث اخلاق اجتماعی را بیان می‌کند که به رابطه انسان با هم‌نوعان می‌پردازد؛ مانند کتاب *آداب الصحبة* و *المعاشرة* و کتاب *الامر بالمعروف و النهی عن المنکر*.

ربع المهلكات بیشتر به اخلاق فردی در حوزه رذایل می‌پردازد که مربوط به خود شخص انسان است؛ مانند کتاب آفات الغضب و الحقد و الحسد، کتاب ذم المال و البخل.

ربع المنجیات به اخلاق فردی در حوزه فضایل اشاره کرده است؛ مانند کتاب التوبه، کتاب الصبر و الشکر، کتاب الخوف و الرجاء (غزالی، احیاء العلوم، ۸/۱).

ایشان در کتاب دیگر خود (جواهر القرآن و دُرره)، آیات قرآن را در سه قسمت مقدمات، مقاصد و لواحق بررسی می‌نماید. در قسمت مقاصد، لبّ آیات قرآن و مهم‌ترین آنها را در دو بخش علمی و عملی نظام‌مند می‌کند. وی در بخش علمی، مهم‌ترین آیات قرآن را جواهر قرآن و گوهرهای قیمتی قرآن دانسته و بخش عملی را دُرر قرآن و صدف‌های آن نامگذاری کرده است (همو، جواهر القرآن و دُرره، ۶۳).

در بخش جواهر القرآن، ایشان آیاتی را که درباره ذات، صفات و افعال خداوند (اخلاق الهی) است، به ترتیب سوره‌های قرآن، از سوره فاتحه‌الکتاب تا سوره اخلاص، بدون اینکه توضیحی درباره آنها بدهد، ذکر کرده است (همان، ۱۱۲)، و در بخش درر القرآن نیز به بیان صراط مستقیم الهی پرداخته و راه رسیدن به خداوند و تهذیب نفس را بیان می‌کند و آیاتی از سوره بقره تا سوره ناس را به ترتیب برمی‌شمرد (همان، ۱۵۰).

نقد و ارزیابی

غزالی در کتاب‌های احیاء علوم الدین و جواهر القرآن، سازمان و نظامی ابتکاری را در پیش گرفته و آیات قرآنی را در این نظام جای داده است، اما به نظر می‌رسد این نظام از چند جهت دارای نقص است.

۱- این نظام از جامعیت لازم برخوردار نیست. برای مثال، در کتاب احیاء علوم الدین، در ربع عبادات، عبادتی همچون جهاد یا در ربع عادات، آدابی همچون آداب خواب و پوشش لباس و مسکن یا در ربع مُهلکات، رذایلی همچون کفر، شرک، نفاق، عصیان، اسراف و تبذیر و در ربع مُنجیات، فضایلی همچون دوراندیشی، شجاعت، امانت‌داری و ... که آیاتی از قرآن در این باره وجود دارد، نیامده است.



در کتاب *جواهر القرآن* نیز ایشان از مجموع بیش از شش هزار آیه قرآن، تنها به هفتصد و هشتاد و سه (۷۸۳) آیه به عنوان گهرهای قرآنی و هفتصد و شصت و هشت (۷۶۸) آیه به عنوان صدف‌های قرآنی اشاره کرده و از بهره‌مندی از هدایت‌های الهی در عرصه اخلاق قرآنی در سایر امور باز مانده است و بدین شکل، سه چهارم آیات قرآن در گستره اخلاق قرآنی قرار نگرفته‌اند.

۲- این نظام از مانعیت کافی برخوردار نیست؛ چراکه برای مثال، ایشان در ربع عبادات، اموری را آورده که به‌طور مستقیم به عبادات و اعمال عبادی مصطلح ارتباط ندارد؛ مانند مباحثی که در کتاب العلم ذکر شده یا مباحثی که مربوط به طهارت الخبث یا طهارت الاحداث است.

۳- در کتاب *جواهر القرآن*، آیات قرآن در نظام کلی و در قالب آیات گوهری و صدفی سامان یافته‌اند، اما تک تک آیات از نظامی منسجم پیروی نمی‌کنند و آیات قرآن، صرفاً به ترتیب و نظمی آمده که در سوره‌های قرآن وجود دارد و همه آیات از ابتدای قرآن تا انتهای آن، بدون هیچ توضیح یا بیان ملاک و معیاری، صرفاً به ترتیب سوره‌ها جمع‌آوری شده‌اند.

۲. دستور الاخلاق فی القرآن

دومین اثر، کتاب *دستور الاخلاق فی القرآن*، تألیف دکتر محمد عبدالله دراز است.^۲ این کتاب در دو بخش، اخلاق نظری و اخلاق عملی را از نگاه قرآن معرفی می‌کند.

در بخش نخست که حجم بسیار زیادی از کتاب را به خود اختصاص داده و تقریباً نهمین کتاب را شامل می‌شود، به اخلاق نظری از نظر قرآن می‌پردازد و در طی پنج فصل، مباحثی همچون الزام و تکلیف اخلاقی، مسئولیت اخلاقی و شرایط آن، مجازات و اقسام آن (اخلاقی، قانونی، الهی)، نیت و انگیزه عمل و در آخر، جهد و تلاش اخلاقی را با استناد به آیات قرآنی و در برخی موارد، در مقایسه با نظریات دانشمندان غربی به‌ویژه کانت مطرح می‌کند.

در بخش دوم کتاب که به اخلاق عملی یا اخلاق هنجاری و بیان مصادیق باید و نبایدها اختصاص دارد، ایشان روش و نظامی را برای معرفی اخلاق عملی در قرآن برگزیده که با روش غزالی و دیگران متفاوت است. وی به‌جای اینکه تمام آیاتی را که به رفتار انسان مربوط است، یکجا جمع کند یا آیات اخلاقی را به‌ترتیب سوره‌ها یا ترتیب ابجدی بیان نماید، طی پنج فصل، بخشی از آیات اخلاقی را در نظمی منطقی و بر حسب نوع رابطه و علاقه‌ای که این نوع آیات با هم داشته‌اند، در مقوله‌های مختلفی نظام‌مند کرده است.

از این رو در این کتاب، فصل نخست اخلاق عملی، ویژه اخلاق فردی است و در سه قسمت اوامر، نواهی و مباحات به اموری مانند طهارت نفس، استقامت، کظم غیظ، صدق، تواضع، صبر، اخلاص، عمل صالح و ... به‌عنوان اوامر فردی، همچنین به اموری مانند خودکشی، دروغ، نفاق، بخل، اسراف، ریا، کبر، عُجب، حسد، دل‌بستگی به دنیا، زناکاری و ... به‌عنوان نواهی فردی، و در آخر به اموری مانند برخورداری از نعمت‌های پاکیزه به‌عنوان مباحات اشاره و برخی آیات مرتبط را جمع‌آوری کرده است.

فصل دوم به اخلاق خانواده اختصاص دارد و به روابط والدین و فرزندان، روابط همسران و وظایف متقابل آنها، روابط با خویشان و در آخر به مباحث مربوط به ارث می‌پردازد.

در فصل سوم، اخلاق اجتماعی را مطرح و در سه قسمت محظورات، اوامر و آداب، آیاتی را بیان کرده است.

در فصل چهارم، آنچه به اخلاق حکمرانی مربوط است، آمده و در آن، رابطه میان رئیس و مردم و روابط خارجی مطرح شده است.

در فصل پنجم نیز با عنوان اخلاق دینی، وظایف انسان در قبال خدا ذکر شده و برخی آیات که بر ایمان به خدا، اطاعت بی‌قیدوشرط از خدا، تدبّر در آیات الهی، شکر بر نعمت‌های الهی، توکل به خدا، نومید نشدن از رحمت او، ادای نماز و واجبات و ... دلالت دارد، به‌عنوان آیات مرتبط با اخلاق دینی به‌اجمال ذکر شده



است. در آخر نیز ایشان بدون هیچ توضیح و معیاری، برخی از آیات را که به مهم‌ترین فضایل اشاره دارد و آن را از امتیازات مسلمان واقعی می‌داند، ذکر می‌کند.

نقد و ارزیابی

از امتیازات این کتاب، توجه به مبانی و مبادی اخلاق در قرآن (اخلاق نظری) است که در کنار اخلاق عملی، برای نخستین بار مباحثی مهم و گسترده را به صورت منظم در این موضوع مطرح ساخته است. کوشش مؤلف بر آن بوده که آنچه بیان می‌دارد، به آیات قرآن مستند و از دخالت آراء بشری به دور باشد. اما آنچه به عنوان نقص بر کار ایشان می‌توان یاد کرد، این است که اولاً برای انتخاب مجموعه آیات مرتبط با هم، هیچ ملاک و معیار یا تعریفی ارائه نکرده است؛ به گونه‌ای که برخی از عناوینی که در اخلاق فردی ذکر شده، مانند تکبر، صدق، تواضع و دروغ‌گویی، می‌تواند جزء اخلاق اجتماعی نیز باشد، یا برخی از عناوین اخلاق اجتماعی مانند ظلم و عدل می‌تواند در زمره اخلاق فردی نیز قرار گیرد؛ هرچند بر خلاف بسیاری از قرآن‌پژوهان اخلاقی، آیات اخلاقی را در نظامی منطقی و منسجم در پنج سرفصل ارائه کرده است.

ثانیاً دایره این تقسیم‌بندی و نظام منطقی می‌تواند متداخل یا گسترده‌تر باشد. به این معنا که از سویی می‌توان اخلاق خانواده و اخلاق حکمرانی را قسمی از اخلاق اجتماعی دانست و این دو قسم، داخل در اخلاق اجتماعی باشند و از سوی دیگر، روابط انسان را افزون بر رابطه وی با فرد، هم‌نوعان و خدا، می‌توان گسترده‌تر لحاظ کرد و شامل رابطه انسان با جهان طبیعت و جهان پیرامون نیز دانست تا مجموع این روابط، در قالب چهار رابطه، یعنی رابطه با خدا، خود، انسان‌ها و جهان، نظام‌مند شود.

ثالثاً در این کتاب مبانی اخلاق با اصول اخلاقی (اخلاق عملی) در آیات منتخب خلط شده است. برای مثال، مؤلف در اخلاق عملی و لزوم شکر نعمت‌های الهی، به آیه ﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نحل/۵۳) استناد کرده که این آیه بیشتر به مبانی خداشناسی اخلاق مربوط است تا اصل اخلاقی شکر نعمت‌های الهی.

۳. اخلاق در قرآن (مصباح یزدی)

اثر دیگر در حوزه مسائل اخلاق قرآنی، کتاب اخلاق در قرآن حضرت آیت الله محمدتقی مصباح یزدی است. این کتاب که بخش اخلاقی مجموعه معارف قرآن ایشان است، در سه جلد تألیف شده و هر جلد به یک بخش از مسائل اخلاقی اختصاص یافته است.

نظامی که ایشان برای دسته‌بندی موضوعات اخلاقی از آن تبعیت کرده، نظامی است مبتنی بر تنظیم روابط سه‌گانه انسان با خدا، خویشتن و مردم، از این رو در جلد نخست پس از بیان مباحثی درباره فلسفه اخلاق و فرااخلاق، مباحث مربوط به رابطه انسان با خدا مطرح شده است. ایشان این نوع از اخلاق را «اخلاق الهی» نام‌گذاری کرده‌اند. جلد دوم، مباحث اخلاق فردی و روابطی را که انسان با خویشتن و ابعاد وجودی خود (مانند غرایز و تمایلات، عواطف و احساسات) دارد، مورد توجه قرار داده و جلد سوم، مسائلی را دربر دارد که محور آن، روابط اجتماعی انسان با انسان‌های دیگر است و به اصطلاح اخلاق اجتماعی نامیده می‌شود؛ مانند رابطه انسان با اعضای خانواده، رابطه انسان با قراردادهای مردم، رابطه انسان با جان و مال و آبروی مردم، معاشرت با مردم، گفت‌وگوی با مردم، رابطه انسان با رفتارهای غیراخلاقی دیگران و رابطه انسان با غیرمسلمانان.

نقد و ارزیابی

شیوه این کتاب مزیت‌های مختلفی دارد؛ همچون بحث از اخلاق نظری (فلسفه اخلاق) و اخلاق عملی در قرآن، تحلیل و بررسی علمی از مسائل اخلاقی قرآن، توجه به شبهات و اشکالات و نقد و بررسی نظریه‌های علمی، وفاداری به عنوان کتاب و موضوع آن؛ یعنی اخلاق در قرآن و تمرکز بر آیات قرآن در توضیح مسائل اخلاقی و بهره‌مندی از آیات؛ نه استفاده و استناد به روایات و شواهد دیگر که خروج از عنوان و موضوع کتاب است، نظام‌بخشی منطقی به مباحث در سه حوزه اخلاق الهی (بندگی)، فردی، اجتماعی و ... با وجود این، می‌توان ملاحظات را بر این کتاب مطرح کرد، از جمله:



۱- مباحث مربوط به اخلاق الهی، به طور خلاصه و در گستره‌ای اندک انعکاس یافته و اخلاق الهی صرفاً در محدوده معرفت خدا بررسی شده است (مانند چیهستی معرفت خدا، موانع معرفت خدا، آثار معرفت انسان به خدا، آثار روانی و رفتاری معرفت به افعال الهی) و از سایر مباحثی که در قرآن در ارتباط انسان با خدا و امور مرتبط با خدا وجود دارد، سخنی به میان نیامده است؛ مانند مباحث مربوط به توکل به خدا، ذکر و یاد خدا، تفکر و تدبّر در آثار و نشانه‌های خدا و ...؛ همچنان که این مشکل در اخلاق فردی و در برخی مباحث اخلاق اجتماعی نیز به چشم می‌خورد.

۲- رویکرد کتاب به موضوعات اخلاقی ایجابی بوده و بیشتر به مباحثی پرداخته شده که در قلمرو فضایل و امور پسندیده است، و به موضوعات سلبی اخلاقی و ردائیل کمتر توجه شده یا دست‌کم تفکیکی روشن بین مرزهای اخلاقی در دو ناحیه ایجابی و سلبی در همه مباحث انجام نگرفته است.

۳- غلبه مباحث کتاب، با تحلیل‌های فلسفی و علمی و بیان اصول کلی و عام است و در برخی مواقع استناد به آیات قرآن که باید محور مباحث باشد، در سایه این تحلیل‌ها کمرنگ شده است؛ مانند آنچه در بخش اخلاق فردی و به‌ویژه در قسمت عواطف و احساسات آمده است. شایسته بود آموزه‌های اخلاقی قرآن که به‌طور روشن به معرفی بایدها و نبایدها و خوب و بدهای قرآنی می‌پردازد، به‌شکلی جزئی‌تر و کاربردی در همه حوزه‌های اخلاق بیان می‌شد.

۴. اخلاق در قرآن (مکارم شیرازی)

کتاب دیگر در موضوع اخلاق قرآنی، اخلاق در قرآن حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی است. این کتاب که به سبک تفسیر موضوعی در موضوع اخلاق نوشته شده، دارای دو قسمت «اصول مسائل اخلاقی» و «فروع مسائل اخلاقی» است و در سه جلد تدوین یافته است.

ایشان در جلد نخست کتاب، با عنوان «اصول مسائل اخلاقی»، کلیاتی از موضوعات مقدماتی و مبادی اخلاق (که بیشتر رویکرد فلسفه علم اخلاق دارد تا فلسفه اخلاق) را مطرح ساخته‌اند؛ مانند مسائل مربوط به علم اخلاق، نقش اخلاق

در زندگی و تمدن انسان‌ها، بررسی مکاتب اخلاقی، بررسی دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ اصول مسائل اخلاقی و راه‌های تهذیب نفس و در آخر، اسوه‌ها و الگوهای اخلاقی.

اما در مجلدات دوم و سوم که به فروع مسائل اخلاقی اختصاص دارد و در آن آموزه‌های اخلاقی قرآن به شکل جزئی و مصداقی بیان شده، نظام خاصی را پیشنهاد می‌دهند. ایشان برای نظام‌مند کردن مسائل اخلاقی، با محور قرار دادن فضایل و رذایل اخلاقی انسان - و نه روابط مختلفی که انسان با خدا، خویشتن و مردم دارد سرگذشت اقوام پیشین و به عبارتی، تاریخ و حالات انبیا از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله را معیار سازماندهی فضایل و رذایل قرار می‌دهد. برای مثال، نخست سراغ داستان آفرینش آدم و حوا و وسوسه‌های شیطان رفته و رذایلی مانند تکبر (از سوی ابلیس) و حرص (از سوی آدم و حوا) را که سبب پیدایش ماجرای عبرت‌انگیز طردشدن شیطان از قرب الهی یا محروم شدن آدم و حوا از بهشت شد، بررسی کرده و سپس، فضایی که مقابل این رذایل‌اند، مانند تواضع و قناعت را از دیدگاه قرآن بیان می‌کند.

ایشان آن‌گاه رذایل و فضایی که به داستان هابیل و قابیل مرتبط است؛ مانند حسد و خیرخواهی، یا به داستان حضرت نوح علیه السلام مربوط می‌شود؛ مانند تعصب و لجاجت و دیگر ماجراهای تاریخی، به‌ویژه در رابطه با قوم بنی‌اسرائیل و حضرت موسی علیه السلام و سایر انبیا را مطرح ساخته، فضایل و رذایل را در آیینۀ زندگی انبیا و مخالفان آنها تبیین و تشریح نموده‌اند. در این کتاب به مباحث اخلاق تربیتی نیز توجه شده و به مباحثی همچون علل و عوامل و آثار و نتایج رذایل و فضایل و همین‌طور راه‌های تحصیل فضایل و دوری از رذایل پرداخته شده است.

نقد و ارزیابی

این اثر از امتیازات مختلفی برخوردار است، مانند توجه به دو جنبهٔ اخلاق نظری و عملی (مبانی و مبادی اخلاق و همین‌طور اصول و آموزه‌های اخلاقی)، توجه به جزئیات آموزه‌های اخلاقی، نگاه عینی و کاربردی به مسائل اخلاقی و ...، اما با وجود این، از چند جهت می‌توان ملاحظاتی بر آن مطرح کرد:



۱- نظامی که در سازماندهی آموزه‌های اخلاقی تبعیت شده، بیشتر رویکرد تاریخی و به ترتیب سلسله انبیا و با توجه به واقعیات خارجی و شأن نزول آیه بوده است، اما این معیار در همه فضایل و رذایل رعایت نشده و برخی مفاهیم اخلاقی بدون چنین ملاحظه‌ای بیان شده است؛ مانند مفاهیمی همچون حب دنیا، آرزوهای دراز، شهوت پرستی و عفاف، غفلت و بی‌خبری و ...

۲- در این نظام، به علت اینکه از ناحیه روابط مختلف انسان یا شکل‌های دیگر، سازماندهی‌ای صورت نگرفته است، از نظم منطقی و جذاب بی‌بهره است. بر همین اساس، نمی‌توان دریافت درستی از میزان اهمیت هریک از حوزه‌های اخلاق قرآنی و روابط اخلاقی انسان با خدا، خود و مردم و همچنین هریک از آموزه‌های اخلاقی قرآن به دست آورد و از همین رو، در عناوین موضوعات و مسائل اخلاقی، پراکندگی آشکاری مشاهده می‌شود.

۳- با دخالت دادن روایات و نظرات دانشمندان اخلاق و تلفیق آن با آیات قرآن، از تمرکز بر عنوان کتاب که بررسی مسائل اخلاقی در قرآن است، فاصله گرفته شده است.

۵. مبادی اخلاق در قرآن و مراحل اخلاق در قرآن

اثر بعدی در رابطه با نظام‌مندی مسائل اخلاقی قرآن، دو کتاب *مبادی اخلاق در قرآن* و *مراحل اخلاق در قرآن*، تألیف حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی است. ایشان مجموع مباحث اخلاقی قرآن را به‌عنوان تفسیر موضوعی قرآن در این دو جلد بیان کرده‌اند. در کتاب *مبادی اخلاق در قرآن*، برخی مباحث اخلاق نظری و مرتبط به فلسفه اخلاق و فلسفه علم اخلاق را مطرح کرده و در طی چهار بخش، به موضوعاتی همچون جهان‌بینی و اخلاق (تحلیلی از احکام اخلاقی مانند بایدها و نبایدهای اخلاقی و رابطه باید و هست، کمال و سعادت)، انسان و اخلاق، اهمیت و آثار اخلاق و فرزندانگان و اخلاق پرداخته‌اند.

در کتاب *مراحل اخلاق در قرآن*، مباحث اخلاق عملی با رویکرد اخلاق عرفانی و عمدتاً بر اساس نظام و ترتیبی که خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *اوصاف الاشراف* پیشنهاد داده، با تغییرات و همراه با نگاه انتقادی، سامان‌دهی شده است. مؤلف بر اساس جهان‌بینی توحیدی، انسان را مسافری می‌داند که مقصد آن لقای خداوند است. انسان در این سفر و سلوک خود به سوی خدا، عوالمی را پیموده تا به عالم طبیعت و نشئه دنیا رسیده و عوالمی را نیز در پیش رو دارد که در پایان راه، یا به لقای مهر و جمال خدا، یا به لقای قهر و جلال خدا نائل خواهد شد. به گفته ایشان، از آنجا که این مسافت و مسیر در درون و نهاد آدمی است، نه بیرون از او، لاجرم وی باید مراحل و منزلتی را برای سیر و سلوک خود بییماید. روشن است که طی کردن این مسیر موانعی دارد که سالک الی الله نخست باید آنها را بشناسد و سپس آن موانع را از باب «تخلیه» و پیراستگی خویش از «رذایل اخلاقی»، از سر راه بردارد و سپس به «تحلیه» و آراستگی خویش به «فضایل اخلاقی» پردازد که همان سیر در مراحل این سفر است.

با توجه به آنچه گفته شد، ایشان در کتاب *مراحل اخلاق در قرآن*، در طی سه بخش، ابتدا در بخش نخست به شناسایی موانع سیر الی الله از نگاه آیات قرآن پرداخته و موانع را در دو قسمت موانع نظری، شامل غفلت، وسوسه علمی، پندارگرایی و عقل متعارف (عقل در برابر عشق)، و موانع عملی، شامل هوس‌مداری و خودبینی، شیطان و همچنین دنیاگرایی، تبیین می‌کنند. در بخش دوم، شبیه باب دوم کتاب *اوصاف الاشراف* خواجه طوسی، به چگونگی مانع‌زدایی پرداخته و پنج راه یا پنج مرحله را به‌عنوان مراحل مانع‌زدایی مطرح می‌کنند که شامل توبه، زهد، ریاضت، مراقبه و محاسبه و در آخر تقوا می‌شود. در بخش سوم که به پیمودن مراحل سیر و سلوک الی الله و آراسته‌شدن به فضایل اخلاقی اختصاص دارد، ایشان بهترین ترتیب را در سامان‌دهی مراحل سیر و سلوک بر اساس دیدگاه خواجه در *اوصاف الاشراف* می‌دانند؛ چراکه این ترتیب، ترکیبی از روش عارفان و حکیمان است که هم از عقل و هم از نقل (آیات و روایات) بهره جسته است. مؤلف در این بخش با بیان مراحل بیست و پنج‌گانه، اولین مرحله سیر و



سلوک را معرفت خداوند (و به گفته خواجه طوسی، ایمان) و آخرین مرحله را فنای فی الله معرفی می‌کنند.

نقد و ارزیابی

این دو کتاب با دربر داشتن دو بخش اخلاق نظری و عملی و رویکرد تحلیلی به مباحث اخلاقی قرآن، داشتن مبنای منطقی برای سامان‌دهی و نظام‌سازی (که مبتنی بر سیر و سلوک الی الله است) و ... از امتیازات خوبی برخوردارند، اما به نظر می‌رسد در چند زمینه نیز ملاحظات وجود دارد:

۱- مطالب با رویکرد اخلاق عرفانی ارائه شده و آیات قرآن در چنین قالبی سامان‌دهی شده است. شایسته بود با محور قرار دادن آیات قرآن، ابتدا نظامی خاص و جامع از اخلاق قرآنی تدوین می‌گردید، آن‌گاه اخلاق عرفانی نیز با مقیاس اخلاق قرآنی سنجیده می‌شد، نه برعکس.

۲- تمرکز مباحث بیشتر بر اخلاق بندگی و رابطه انسان با خدا بوده و در طراحی این نظام به اخلاق اجتماعی، اخلاق فردی و اخلاق درباره جهان پیرامون کمتر توجه شده است؛ همچنان که در قسمت رذایل و بررسی موانع سیر و سلوک، گستره اندکی از این موانع مطرح شده است.

۳- در تحلیل موضوعات اخلاقی، استفاده از روایات و نظرات بزرگان در کنار بهره‌مندی از آیات قرآن، وفاداری کتاب را با عنوان خویش، که مراحل اخلاق «در قرآن» است، کم کرده است.

۶. ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن

از جمله کتاب‌هایی که به مباحث اخلاق قرآنی پرداخته و دارای رویکرد معناشناسانه هستند، کتاب *ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن*^۳ نوشته توشیهیکو ایزوتسو از ژاپن با ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای است. ایزوتسو در این کتاب با روش تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه و معناشناسانه، کوشش دارد تا معانی واژه‌های ارزشی قرآن در زمینه اخلاق و رفتار را به دست آورد؛ به گونه‌ای که قرآن به زبان خود سخن بگوید و واژه‌های قرآن، خود معنای خویش را تبیین و تفسیر کنند.

در این روش که روشی معناشناسانه است، برای فهم معنای واژه‌ها نمی‌توان تنها با مراجعه به فرهنگ‌های لغت و معادل‌سازی‌های زبانی اکتفا کرد.^۴ برای دستیابی به معنای درست واژه، باید معنای واژه را به وسیله شرایط و اوضاع و احوال کاربرد آن واژه در محیط یا متن توصیف کرد (ایزوتسو، ۱۴). به‌دیگر سخن، در روش ایزوتسو، اصطلاحات اخلاقی دینی زبان، نظام خاصی از مقولات را تشکیل می‌دهد که به‌طور شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط هستند و این نظام، جزئی از سیستم و نظام بزرگ‌تر معنایی زبان مورد بحث به‌شمار می‌رود.

ایزوتسو در خصوص زبان قرآن نیز معتقد است که در زبان قرآن، سه مقوله متفاوت از مفاهیم اخلاقی وجود دارد که باید میان آنها تفاوت گذاشت. گروه نخست، مفاهیمی هستند که درباره طبیعت اخلاقی خداوند سخن گفته و او را توصیف می‌کنند؛ مانند واژه‌های رحمن، رحیم، غفار و ... که بدان اسماء‌الله می‌گویند و نام آن را می‌توان «اخلاقیات الهی» نامید. گروه دوم مفاهیمی هستند که با رابطه اخلاقی انسان با خدا سروکار دارند. درباره رابطه اخلاقی انسان با خدا باید گفت همان‌گونه که رابطه خداوند با انسان از طریق اخلاق است، انسان نیز باید در برابر خداوند، رفتار و واکنشی اخلاقی داشته باشد و در پاسخ به خواست و اراده او، رفتاری مطابق با اوامر و نواهی او در پیش گیرد. این قسم را می‌توان «اخلاقیات فردی» نام نهاد. گروه سوم مفاهیمی هستند که به بینش و دید اخلاقی انسان در قبال افراد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، مربوط می‌شود؛ مقررات و قواعدی اخلاقی که فرد در ارتباط با دیگران رعایت می‌کند. این دسته را می‌توان «اخلاقیات اجتماعی» نامید. گروه دوم و سوم، یعنی اخلاقیات فردی و اخلاقیات اجتماعی را «اخلاقیات انسانی» می‌گویند که در برابر گروه اول، یعنی «اخلاقیات الهی» قرار می‌گیرند.

ایزوتسو در کتاب خود از میان این سه گروه مفاهیم، از اخلاقیات الهی بحث مشخصی نکرده و درباره مفاهیم گروه سوم نیز در بخش اول کتاب، اشاره‌ای گذرا کرده است، ولی موضوع خاص بررسی کتابش را مفاهیم و اصطلاحات اخلاقی دینی گروه دوم قرار داده است. وی درباره اصطلاحات اخلاقی دینی گروه دوم معتقد است که همه آنها در نهایت به دو مفهوم از بنیادی‌ترین مفاهیم اخلاقی، یعنی



«ایمان» و «تقوا» تحویل‌پذیر است. ایمان عبارت است از اعتماد و تسلیم کامل به خداوند، و تقوا عبارت است از ترس پرهیزکارانه از او (همان، ۱۹).

نقد و ارزیابی

رویکرد ایزوتسو به مفاهیم اخلاقی در قرآن، معناشناسانه (Meaning) است. این رویکرد که به‌عنوان روش فهم در مباحث زبان‌شناسی شناخته می‌شود، با مفردات و الفاظ جمله سروکار دارد. الفاظ استفاده شده در این روش بر دو نوع است: در نوع نخست، الفاظ و مفاهیم به‌کار رفته در متن، معنای عادی خودشان را دارند و با رجوع به فرهنگ‌های لغات می‌توان معنای آنها را دریافت. نوع دوم، الفاظی هستند که در بدنه متن و با هم‌نشینی با سایر الفاظ معنا می‌یابند. محور مباحث ایزوتسو، توجه به الفاظ نوع دوم است.

مزیت استفاده از این روش، به حداقل رساندن امکان تحریف در مفاهیم اخلاقی است. به‌دیگر سخن، این روش معنای واژه را آن‌گونه که در متن قرآن آمده، به‌طور کامل بیان می‌دارد، اما از سوی دیگر، هدف از این روش، یافتن شبکه معنایی الفاظ است و معنای واژه را در سیستم و نظام کلی و شبکه مرتبط جست‌وجو می‌کند و برای مثال می‌خواهد بداند که واژه کفر به چه واژه‌های دیگری مانند فسق، فجور، ظلم و ... مرتبط است و چگونگی این ارتباط چیست. این روش از همین منظر، با انتقاداتی روبه‌رو است؛ از جمله اینکه این روش کاربردی نیست و چندان به ارتباط الفاظ و مفاهیم اخلاقی با واقع و خارج نمی‌پردازد. به‌تعبیری، کاربرد این مفاهیم را در زندگی روزمره انسان، به‌عنوان راهنمایی برای عمل تبیین نمی‌کند؛ در حالی که هدف از شناسایی مفاهیم اخلاقی آن است که بتوان از آنها به‌عنوان چراغ راه هدایت در زندگی استفاده کرد و گره‌های اخلاقی فرد و اجتماع را گشود و روابط مختلف انسان را با خدا، خود، مردم و جهان تنظیم کرد. نقد دیگر این است که تنها به مفردات و مفاهیم اخلاقی موجود در جمله می‌پردازد و به قضایا و جملات اخلاقی و به‌عبارتی، به گزاره‌های اخلاقی نظری ندارد.

از سوی دیگر، ایشان بر مقایسه میان اخلاق قرآنی با اخلاق جاهلی تمرکز زیادی کرده، در حالی که این تمرکز کامل نیست؛ زیرا برخی مفاهیم اخلاقی مانند مفاهیم اخلاق بندگی همچون خوف و رجاء درباره خدا وجود دارد که در میان عرب جاهلی رایج نبوده و در قرآن موجود است، اما ایشان آنها را بررسی نکرده است؛ همچنان که ایشان تنها به برخی از مفاهیم عمده اخلاقی دینی، یعنی ایمان و کفر پرداخته و حوزه معنایی این دو واژه را بررسی کرده است، در حالی که شایسته بود به همه مفاهیم اخلاقی می‌پرداخت.

۷. ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)

از دیگر کتاب‌هایی که با رویکرد معناشناسانه به مباحث اخلاق قرآنی پرداخته، کتاب ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)، نوشته دکتر صدیقه مهدوی کنی است. این کتاب به ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن پرداخته و با رویکردی معناشناسانه، گزاره‌های اخلاقی قرآن در حوزه خانواده را بررسی کرده است. در بخش دوم این کتاب، تنها سه مفهوم بنیادین گزاره‌های اخلاقی قرآن، یعنی الزام، مسؤولیت و پاداش تحلیل شده است. در بخش سوم، به تحلیل معناشناختی گزاره‌های اخلاقی قرآن در خانواده پرداخته و در «موضوع» گزاره‌های اخلاقی و در سطح مفردات قرآن، نه در سطح آیات قرآن، به نه مفهوم اخلاقی تقوا، برّ، احسان، عدل، صلح، مودت، رحمت، اطاعت و معروف اشاره کرده و روابط معنایی بین این مفاهیم را از نگاه معناشناسانه بررسی کرده است. در «محمول» این گزاره‌ها نیز به دو محمول «ارزشی»، یکی «لاجناح و لیس علیکم جناح» و دیگری «خیر»، و به دو محمول «دستوری»، یکی افعال امری و دیگری گزاره‌های خبری که ظهور در طلب و وجوب دارند، اشاره کرده و به اختصار آنها را توضیح داده است. در سطح آیات قرآن نیز ایشان نخست حوزه معنایی واژه خانواده را مطرح و سپس برخی مفاهیم اخلاقی را در این زمینه بیان کرده است.



نقد و ارزیابی

نویسنده محترم به لحاظ اینکه با محوریت گزاره‌های اخلاقی به تحلیل آیات قرآن پرداخته، کوششی نو را سامان داده است، اما اینکه کسی با رویکرد معناشناسانه بخواهد به تحلیل گزاره‌های اخلاقی بپردازد، ناممکن می‌نماید؛ چراکه در تحلیل گزاره‌ها، توجه باید به مجموعه گزاره و کل جمله باشد، در حالی که در معناشناسی به‌طور معمول به مفاهیم و مفردات - و نه کل جمله - توجه دارند و صرفاً روابط معنایی بین مفردات را بررسی می‌کنند. ایشان تحلیل موضوعات و محمولات گزاره‌های اخلاقی را بسیار به اختصار برگزار کرده و در ناحیه موضوع و در ناحیه محمول نیز، مفاهیمی اندک و ناقص را بررسی کرده است؛ همچنان که به نظام‌سازی گزاره‌ها نیز توجهی نکرده است. افزون بر این، ایشان گزاره‌های اخلاقی را در حوزه مفاهیم خانواده بیشتر مطرح ساخته و از سایر حوزه‌ها صرف نظر کرده است.

۸. موسوعه اخلاق القرآن

بخشی از کتاب‌هایی که به مباحث اخلاقی قرآن پرداخته‌اند، در قالب موسوعه و دایرةالمعارف و همین طور، فرهنگ‌نامه انتشار یافته‌اند. یکی از این کتاب‌ها موسوعه اخلاق القرآن، نوشته دکتر احمد الشرباصی است.^۵ این کتاب به‌عنوان دایرةالمعارفی از موضوعات اخلاقی قرآن، در شش جزء و در سه مجلد، یکصدوسی‌ویک مفهوم اخلاقی را در قالب فضایل اخلاقی، از آیات قرآن استخراج کرده و هر یک از آنها را شرح و توضیح داده است.

نقد و ارزیابی

نویسنده در شرح مفاهیم اخلاقی قرآن، کوشش‌های شایسته تقدیری انجام داده و بخش درخور توجهی از مفاهیم اخلاقی را از لابه‌لای آیات قرآن استخراج کرده و به شرح و توضیح آنها همت گماشته است. تمرکز نویسنده در این کتاب بر اخلاق عملی بوده و به‌طور مستقل، به مباحث اخلاق نظری نپرداخته است. در این اثر، آنچه می‌توان از آن به‌عنوان کاستی یاد کرد، از این قرار است:

۱- مؤلف رویکردی اثباتی به مفاهیم اخلاقی داشته و همه مفاهیمی را که معمولاً فضایل اخلاقی نامیده می‌شوند، ذکر کرده، ولی در عناوین خود، هیچ واژه‌ای که به رذایل اخلاقی اشاره داشته باشد، نیاورده است.

۲- عمده این مفاهیم مربوط به روابط انسان با خدا (اخلاق بندگی) و رابطه انسان با خود (اخلاق فردی) بوده و از مفاهیم مربوط به اخلاق اجتماعی، سخن زیادی به میان نیاورده است.

۳- هیچ معیاری برای سامان‌دهی موضوعات اخلاقی و برقراری نظامی منطقی، حتی ترتیب حروف الفبا، در این مجموعه دیده نمی‌شود؛ همچنان که برخی موضوعات اخلاقی یا مفاهیم اخلاقی انتخاب شده از قرآن نیز با آنچه معمولاً اخلاق‌پژوهان به‌عنوان مفاهیم اخلاقی یا واژگان اخلاقی از آن یاد می‌کنند، مخالفت دارد و مفاهیمی همچون رحمت، قوت، تقدیر، حیات، تنقل، غربت و ... به‌عنوان واژگان و مفاهیم اخلاقی آورده شده که روشن نیست با چه ملاکی این واژگان، از واژگان اخلاقی شمرده شده است.

۹. فرهنگ‌واره اخلاق در قرآن (موسوعة الاخلاق فی القرآن)

اثر دیگری که به‌عنوان موسوعه اخلاقی قرآن از آن یاد شده است، کتاب فرهنگ‌واره اخلاق در قرآن (موسوعة الاخلاق فی القرآن)، از دکتر جعفر شعار است. این کتاب که به زبان فارسی نوشته شده، در طی هفتادوپنج قسمت، حدود ۱۵۰ عنوان و مفهوم اخلاقی را مستند به ۱۱۰۰ آیه قرآن، به‌ترتیب حروف الفبا، از مفهوم «آداب معاشرت» تا مفهوم «یاری کردن و پناه دادن» استخراج کرده و ضمن ترجمه آیات، به شرح برخی از آیات قرآنی پرداخته است.

نقد و ارزیابی

کتاب از نظامی در قالب ترتیب حروف الفبا پیروی کرده و تمرکز آن نیز بر آیات قرآن بوده است، اما از نظر جمع‌آوری آیات مرتبط با هریک از عناوین و تحلیل علمی آن، کمبود جدی دارد و از این منظر، کتاب مختصر بوده و به‌طور ناقص به موضوعات اخلاقی در قرآن پرداخته است.



۱۰. فرهنگ قرآن؛ «اخلاق حمیده»

یکی دیگر از آثاری که با رویکرد فرهنگ‌نامه‌ای در حوزه اخلاق قرآنی تألیف شده، کتاب فرهنگ قرآن؛ «اخلاق حمیده»، نوشته جناب آقای عبدالنبی امامی است.^۶ این کتاب که در سه مجلد و در طی چهل و چهار فصل، به ترتیب حروف الفبا و با زبان فارسی، از عنوان «ابرار» تا عنوان «وفای به عهد» نگارش یافته، در مجموع به چهل و چهار فضیلت اخلاقی در قرآن و با عنوان «اخلاق حمیده» پرداخته و مباحثی کامل در توضیح هریک از این مفاهیم را از نگاه لغویان و مفسران و سایر دانشمندان ارائه کرده است.

نقد و ارزیابی

این کتاب هرچند که از نام فرهنگ‌نامه وام گرفته، به دلیل اینکه با رویکرد دانشنامه‌ای مباحث را مطرح کرده است، می‌توان از آن به‌عنوان دانشنامه اخلاقی در حوزه اخلاق قرآنی یاد کرد؛ با این امتیاز که کمتر نوشته‌ای با این گستردگی به موضوعات اخلاقی قرآن، به‌شکل مستقل پرداخته است. از دیگر امتیازهای این کتاب این است که در بخش تدبّر در آیات قرآن، هم با ترتیب مصحفی؛ یعنی ترتیبی که این آیات در قرآن موجود دارند، و هم به ترتیب نزولی؛ یعنی با توجه به زمان نزول آیه در مکه یا مدینه، به بررسی آیات قرآن پرداخته است.

ملاحظه‌ای که به این اثر می‌توان داشت، اینکه اولاً معیاری برای انتخاب مصادیق اخلاق حمیده در قرآن ذکر نکرده و از این رو، برخی مفاهیم را که کمتر به‌عنوان مفاهیم اخلاقی به‌معنای خاص از آن یاد می‌شود، در زمره این مفاهیم آورده است؛ مانند مفهوم اخاء (برادری) و همین‌طور مفهوم حق یا سکینه. ثانیاً برخی از مفاهیم اخلاق قرآنی را به‌صورت مستقل نیاورده است؛ مانند استغفار، توبه و انابه، حب خدا، استعاده، خوف از خدا، شکر، تفکر و تدبّر، قناعت، زهد، انصاف، رازداری، غیرت، سخاوت، ادب، تواضع و ... ثالثاً نظام‌سازی براساس حروف الفبا، خواننده را به درکی صحیح از میزان اهمیتی که هریک از مفاهیم اخلاقی در زمینه اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی دارند، نمی‌رساند.

شایسته یادآوری است که کتاب‌های دیگری نیز با رویکرد فرهنگ‌نامه‌نویسی وجود دارد که به همه مفاهیم اعم از اخلاقی و غیراخلاقی پرداخته و در بین آن، مفاهیم اخلاقی نیز آورده شده است. اما از جمله کتاب‌هایی که به‌طور مستقل به مسائل اخلاقی در آیات قرآن پرداخته است، یکی کتاب *الكشاف الموضوعی للقرآن الکریم* است که در پنج مجلد تدوین شده و در مجلد چهارم به منجیات اخلاقی انسان و در مجلد پنجم به مَهْلَكَات اخلاقی انسان پرداخته است.^۷ دیگری، کتاب *المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم* که آقای حسان عبدالمنان به ترتیب حروف الفبا در یک مجلد تهیه کرده و در اولین بخش از کتاب که به حرف همزه اختصاص دارد، آیات اخلاقی قرآن را در دو قسمت فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی با عنوان «الاخلاق الحمیده» و «الاخلاق الذمیه»^۸ جمع‌آوری کرده است. هر دو کتاب صرفاً تحت برخی عناوین اخلاقی، آیات مرتبط را ذکر کرده‌اند که با توجه به گستره عظیمی که آیات اخلاقی قرآن دارند، این تعداد از آیات، بیانگر عمق نگاه اخلاقی قرآن به موضوعات مختلف نیست.

کتاب‌های دیگری نیز در سال‌های اخیر در باب اخلاق قرآنی نوشته شده که هرکدام به‌گونه‌ای خاص، به نظام‌مند کردن آیات قرآن توجه کرده‌اند، مانند *مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن*، نوشته جناب آقای محمدحسین فهیم‌نیا، *اخلاق قرآنی*، تألیف جناب آقای عنایت‌الله شریفی، *قرآن کتاب اخلاق*، نوشته جناب آقای محمدتقی سبحانی‌نیا که در جای خود باید ارزیابی شود.^۹

نظام پیشنهادی

با توجه به تعریفی که از نظام و عناصر سازنده یک نظام وجود دارد، می‌توان برای معارف اخلاقی قرآن، نظامی جامع را پیشنهاد داد. بدین منظور نخست باید به تعریف نظام و عناصر تشکیل‌دهنده آن توجه کرد.

در تعریفی از نظام گفته شده است: «نظام»^{۱۰} مجموعه‌ای از اجزای به‌هم وابسته است که آن اجزا در راه نیل به هدف‌های معینی باهم هماهنگی دارند» (چارلز، ۳۰). در تعریف دیگری از نظام، با توجه به عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده آن، می‌توان



نظام را به معنای مجموعه‌ای نظام‌مند دانست که دارای سه عنصر اصلی و سه رکن نظری است که این عناصر اصلی و ارکان نظری نظام عبارت‌اند از «مبانی، اصول و اهداف» (اعرافی، ۱۵۱)؛^{۱۱} به این معنا که اگر ساختار و صورت «نظام» را تشبیه به یک هرم یا مخروط (نه استوانه یا منشور) کنیم، مبانی «قاعده» آن هستند و اصول «بدنه» آن را شامل می‌شود و هدف یا اهداف، «رأس و سر» آن را تشکیل می‌دهند.

بر اساس این تعاریف، ساختار هرمی یا مخروطی نظام اخلاقی قرآن باید از یک قاعده، یک بدنه و یک رأس تشکیل شده باشد. قاعده آن، مبانی اخلاق در قرآن است که شامل مبانی خداشناسی، انسان‌شناسی، وجودشناسی، فلسفی و ... می‌باشد که مجموعه‌ای از «است و هست‌ها و نیست‌ها» را شامل می‌شود. برای مثال، آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (نساء/۹۴)، مبانی خداشناسی نظام اخلاقی قرآن و آیات ﴿وَالْعَصْرِ﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴿ (عصر/۳-۱)، مبانی انسان‌شناسی نظام اخلاقی قرآن و آیه ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (اسراء/۵۳)، مبانی وجودشناسی نظام اخلاقی قرآن را بیان می‌کند.

درباره بدنه نظام اخلاقی که همان اصول اخلاقی قرآن است، چند نکته را باید مد نظر قرار داد. اولاً اصول اخلاقی قرآن در اینجا، به معنای مجموعه‌ای از جملات و گزاره‌های اخلاقی هستند که از موضوع و محمول (مسند و مسندالیه) تشکیل یافته‌اند. موضوع در این جملات، یکی از ابعاد پنج‌گانه نفس انسان است و محمول آنها، یکی از مفاهیم هفت‌گانه اخلاقی است. ابعاد پنج‌گانه نفس انسان عبارت‌اند از: ۱- باورهای انسان (بُعد معرفتی)، ۲- احساسات، عواطف و هیجان‌های انسان (بُعد عاطفی)، ۳- اراده‌ها و خواسته‌های انسان (بُعد ارادی)، ۴- افعال گفتاری و رفتاری انسان (بُعد فعلی)، ۵- منش و شخصیت انسان. مفاهیم هفت‌گانه اخلاقی که محمول قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: «خوب» و «بد»، «باید» و «نباید»، «درست» و «نادرست» (صواب و خطا)، «وظیفه یا مسؤولیت»، یا مفاهیم دیگری که به این هفت مفهوم باز می‌گردد.^{۱۲} برای مثال از آیه ﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۷۵)، یا آیه ﴿فَيَأْتِي فَارْهُبُونَ﴾ (نحل/۵۱)، می‌توان یک گزاره و جمله اخلاقی که دربر دارنده موضوع و محمول است، استفاده کرد؛ به این شکل که (به

لحاظ بعد عاطفی) ترس مؤمن (موضوع) باید تنها از خدا باشد (محمول). ترس مؤمن نباید از دشمنان خدا باشد.

ثانیاً از آنجا که «انسان» با ابعاد پنج‌گانه نفسانی خود، می‌تواند چهارگونه ارتباط را با خدا (ارتباط عمودی)، خود (ارتباط درونی)، انسان‌های دیگر «خلق» (ارتباط افقی)، و جهان پیرامون «خلقت» (ارتباط بیرونی) و به دو شکل مثبت و منفی داشته باشد، در نتیجه چهار خرده‌نظام نیز به شرح زیر می‌توان داشت: ۱- نظام اخلاق بندگی، ۲- نظام اخلاق فردی، ۳- نظام اخلاق اجتماعی، ۴- نظام اخلاق درباره جهان پیرامون. در اخلاق بندگی، روابط انسان (با ابعاد پنج‌گانه‌اش) با خدا به شکل مثبت یا منفی مطرح می‌شود؛ مثل اینکه ترس انسان باید از خدا باشد و از او پروا داشته باشد (جنبه مثبت)، انسان نباید نافرمانی و معصیت خدا را بکند (جنبه منفی). در اخلاق فردی، روابط انسان با خود^{۱۳} و در اخلاق اجتماعی (اعم از اخلاق خانواده و جامعه و ...)، روابط انسان با انسان‌های دیگر،^{۱۴} و در اخلاق درباره جهان پیرامون، روابط انسان با طبیعت و جهان پیرامونی او (به جز خدا، خود و انسان‌های دیگر)^{۱۵} تبیین می‌شود.

ثالثاً بر اساس آنچه گذشت، با ترکیب ابعاد پنج‌گانه انسان در روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، خلق و خلقت، بیست نوع حالت برای روابط اخلاقی انسان فراهم می‌شود و با توجه به اینکه این روابط بیست‌گانه به دو شکل مثبت و منفی هستند، این روابط اخلاقی انسان، به چهل وجه ارتقا و سامان می‌یابد. برای مثال جایگاه آیه «فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (نحل/۵۱) در میان این چهل وجه، بدین گونه است که این آیه در ساختار نظام اخلاق قرآنی، در قسمت بدنه نظام و در خرده‌نظام اخلاق بندگی قرار می‌گیرد و بعد عاطفی انسان را در رابطه او با خداوند، به صورت مثبت بیان می‌کند و اصلی اخلاقی به نام «ترس انسان تنها از خدا باید باشد»، استفاده می‌شود.^{۱۶} در قسمت رأس نظام نیز، اهدافی که برای اخلاق قرآنی می‌توان از میان آیات قرآن استخراج کرد، قرار می‌گیرد.^{۱۷}



امتیاز نظام پیشنهادی

به نظر می‌رسد نظام پیشنهادی مقاله پیش رو، هم از جهت شکلی و هم از جهت محتوایی، می‌تواند بهتر از نوآوری‌ها و کوشش‌هایی که در این باب انجام شده، آموزه‌های اخلاقی قرآن را دربر گیرد. امتیاز روش پیشنهادی از جهت شکلی از این قرار است:

۱- نظام اخلاقی قرآن را با محوریت گزاره‌های اخلاقی و به شیوه تحلیل طراحی کرده؛ به طوری که در بررسی آیات اخلاقی قرآن، مجموع قضایای اخلاقی (موضوع و محمول) مدنظر است، نه برخی از بخش‌های جمله و قضایا؛ برخلاف شیوه معاشناسی که تنها به بررسی معنای کلمات و واژگان اخلاقی می‌پرداخت. در شیوه‌های دیگر نیز بیشتر به مفاهیم اخلاقی یا موضوعات اخلاقی می‌پرداختند، نه گزاره‌های اخلاقی.

۲- سازمان‌دهی نظام اخلاقی قرآن با تأکید ویژه و توجه دقیق بر تنوع و تعدد موضوع گزاره‌ها و تقسیم‌بندی‌های آن سامان یافته است (انسان و ابعاد مختلف وجودی او) که این امر، شناسایی سطوح و لایه‌های اخلاق را دقیق‌تر می‌نمایاند.

۳- هریک از این ابعاد انسانی، در قالب روابط چهارگانه‌ای که انسان با خدا، خود، خلق و خلقت دارد، نظام‌مند شده‌اند؛ به گونه‌ای که گستره اخلاق را به حوزه‌های مختلف حیات انسان توسعه می‌دهد و زمینه‌ساز هدایت و راهنمایی انسان در همه عرصه‌ها خواهد بود.

۴- از جنبه‌های ایجابی و سلبی که در هر یک از ابعاد وجودی انسان با روابط چهارگانه‌اش وجود دارد، غفلت نشده و بدین شکل، نظام چهل وجهی جدید و ابتکاری برای سازمان‌دهی آموزه‌های اخلاقی قرآن در قسمت اصول اخلاقی قرآن پیشنهاد شده است.

۵- نظام گزاره‌های اخلاقی قرآن، دربر گیرنده هر سه رکن نظام، یعنی مبانی اخلاق، اصول اخلاق و اهداف اخلاق در قرآن خواهد بود.

در خصوص جامعیت محتوایی نیز بدیهی است چنانچه آموزه‌های اخلاقی قرآن در قالب این نظام پیشنهادی از آیات قرآن استخراج شود، می‌توان تمام آموزه‌های

اخلاقی قرآن و تمام محتواهایی را که در کتاب‌های اخلاق قرآنی آمده، پوشش داد و علاوه بر نظامی جامع از لحاظ شکلی، نظامی جامع از لحاظ محتوایی نیز از هدایت‌های اخلاقی قرآن ارائه کرد.

افزون بر این، عناوین و مفاهیم اخلاقی در این نظام، مستخرج از خود آیات قرآن خواهد بود و تطبیق یا اقتباسی از اصطلاحات و عناوین بشری و رایج در میان اندیشمندان اخلاق اسلامی انجام نخواهد گرفت. برخلاف برخی نظام‌های پیشنهادی که سازمان‌دهی و تحلیل مباحث اخلاق قرآنی را به شیوه فلسفی، عرفانی یا تلفیقی انجام داده و رویکرد آنها شباهت بیشتری به اخلاق فلسفی یا اخلاق عرفانی یا اخلاق تلفیقی دارد، در این سازماندهی و نظام‌بخشی، با توجه به اینکه محور، گزاره‌های اخلاقی قرآن است، کانون تمرکز بر خود آیات قرآن بوده که در نتیجه، رویکرد به اخلاق نیز رویکردی صرفاً قرآنی خواهد بود. بنابراین این اثر ارائه‌کننده اخلاق قرآنی است، نه اخلاق فلسفی یا اخلاق عرفانی که به آیات قرآنی نیز استناد شده باشد. همچنان که در این شیوه، مرزبندی روشنی میان نگاه قرآن به اخلاق و نگاه روایات یا آراء بشری به اخلاق خواهد شد و در تبیین نگاه اخلاقی قرآن، از روایات یا آراء بشری استفاده نخواهد شد.^{۱۸}

روشن است استخراج آیات بر اساس چنین نظامی که به صورت روشن، جزئی و کاربردی، تمام ارکان سه‌گانه نظام معلوم شده و تکلیف هر یک از ابعاد وجودی انسان و روابط وی به صورت کامل و بر اساس گزاره‌های اخلاقی قرآن مشخص شده باشد، ما را در تعیین اولویت‌های اخلاقی برای برنامه‌ریزی در تربیت صحیح و سریع‌تر اخلاقی نیز یاری کرده، از منافع نظام‌سازی اخلاق قرآنی بهره‌مند خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری

با ارزیابی که از منظر نظام‌سازی نسبت به کتاب‌های حوزه اخلاق قرآنی صورت پذیرفت، در یک برآیند کلی، می‌توان به این نتیجه رسید که کتاب‌های حوزه اخلاق قرآنی به لحاظ ساختار نظام‌مند، به دو گونه تقسیم می‌شوند. گونه نخست، کتاب‌هایی که نظام «معنایی» را در بررسی مفاهیم اخلاقی مدنظر داشته‌اند؛



مانند دو کتاب ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن و ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن. و گونه دوم، آنانی که نظام «لفظی» را محور نظام‌مندسازی خود قرار داده‌اند؛ مانند سایر کتاب‌ها.

مهم‌ترین آسیب‌هایی که به گونه نخست وارد است، یکی محدود شدن بررسی مفاهیم اخلاقی تنها به چند مفهوم است؛ مانند مفهوم ایمان و کفر در کتاب ایزوتسو یا مفاهیم مرتبط با خانواده در کتاب مهدوی کنی. به سخن دیگر، از ساحات و ابعاد پنج‌گانه انسان، کتاب ایزوتسو تنها به بعد معرفتی عنایت داشته و کتاب مهدوی کنی تنها بعد رفتاری را ذکر کرده است. دیگری پوشش ندادن همه قلمروهای اخلاق و تنها توجه داشتن به برخی از روابط اخلاقی است؛ مانند کتاب نخست که تنها مفاهیم اخلاق بندگی و ارتباط انسان با خدا (ایمان و کفر) را بررسی کرده و کتاب دوم که به بخشی از مفاهیم اخلاق اجتماعی، یعنی خانواده پرداخته است. سوم، عینیت‌گرا نبودن و پاسخگو نبودن این کتاب‌ها به نیازهای واقعی اخلاقی انسان در زندگی و تمرکز بر علمیت و ذهنیت و بررسی معانی الفاظ از طریق شبکه و نظام‌سازی معنایی است. چهارم، ورود به مباحثی که ارتباط مستقیمی با معناشناسی مفاهیم اخلاقی قرآن ندارد؛ مانند مقایسه تاریخی میان اخلاق قرآنی و اخلاق جاهلی که در کتاب ایزوتسو آمده است. پنجم، توجه نکردن به مبانی اخلاق و اهداف اخلاق به‌عنوان اجزاء و ارکان اصلی یک نظام جامع اخلاقی در قرآن می‌باشد.

کتاب‌های گونه دوم که به‌طور لفظی به مفاهیم اخلاقی قرآن توجه داشته‌اند نیز بر دو قسم‌اند. قسم نخست کتاب‌هایی هستند که نقش منبع و مرجع علمی دارند و بیشتر برای بهره‌مندی متخصصان مفید است و این خود به دو شکل می‌باشد: یا به‌طور مشروح و در قالب دایرةالمعارف و دانشنامه عرضه شده است؛ مانند موسوعه اخلاق القرآن الشرباصی و فرهنگ قرآن (اخلاق حمیده) عبدالنبی امامی. یا به‌طور مختصر و بدون شرح و در قالب فرهنگ‌نامه و معجم و با نظام حروف الفبایی یا ترتیب آیات و سوره‌های قرآن تنظیم شده است؛ مانند فرهنگ‌واره اخلاق در قرآن، الکشاف الموضوعی للقرآن، المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم و جواهر القرآن. قسم دوم کتاب‌هایی که بیشتر مخاطبان خاص یا عام دارند، اما منبع

و مرجع پژوهشی نیستند؛ مانند *احیاء العلوم*، *دستور الاخلاق*، *مراحل اخلاق*، کتاب‌های *اخلاق در قرآن* و دیگر کتاب‌ها.

آسیب‌هایی که بر کتاب‌های گونه دوم و به‌ویژه قسم دوم وارد است، عبارت است از:

- ۱- تمرکز بر مفاهیم و الفاظ اخلاقی قرآن و توجه نکردن به گزاره‌ها و جملات اخلاقی به‌عنوان مؤلفه اصلی سازنده نظام اخلاقی قرآن.
- ۲- به لحاظ توجه به «مبانی اخلاق در قرآن»، این کتاب‌ها یا بحثی از مبانی اخلاق نداشته‌اند، یا چنانچه از مبانی اخلاق سخن گفته‌اند، بیشتر به مبانی فلسفی اخلاق (فلسفه اخلاق) توجه داشته و از بررسی سایر مبانی، از جمله مبانی خداشناسی، معادشناسی، انسان‌شناسی اخلاق و ... غفلت داشته‌اند (به استثنای کتاب *مبانی اخلاق* که آن نیز به‌طور کامل به این موضوع نپرداخته است، یا مثل *اخلاق در قرآن* مصباح یزدی و مکارم شیرازی که خیلی کوتاه اشاره داشته‌اند).
- ۳- از نظر «اصول اخلاقی قرآن» نیز این کتاب‌ها دارای نقص در نظام‌مندی می‌باشند؛ چرا که اولاً هیچ کدام از آنها به تمام ابعاد و ساحات نفس انسان نپرداخته‌اند و تنها به یک یا دو بعد از ابعاد پنج‌گانه انسان اکتفا کرده‌اند. برای مثال در کتاب *اخلاق در قرآن* مصباح یزدی، تنها به یک بعد رفتاری و در کتاب *اخلاق در قرآن* مکارم، *مراحل اخلاق*، *فرهنگ قرآن* و *موسوعه اخلاق القرآن*، تنها به یک بعد منش (فضایل و رذایل) توجه نموده‌اند و در دو کتاب *احیاء العلوم* و *دستور الاخلاق*، به هر دو بعد رفتاری و منش (فضایل و رذایل اخلاقی) پرداخته‌اند. ثانیاً به لحاظ متعلق و انواع ارتباط انسان با خدا، خویشتن، دیگران و جهان پیرامون نیز این کتاب‌ها از ساختاری منظم و جامع پیروی نکرده‌اند. برخی مانند *مراحل اخلاق*، *جواهر القرآن* و *موسوعه اخلاق القرآن* تمرکزشان بر اخلاق بندگی بوده، برخی مانند *احیاء العلوم*، *دستور الاخلاق*، *اخلاق در قرآن* مصباح یزدی به اخلاق بندگی، فردی و اجتماعی توجه نموده‌اند، و تعدادی نیز مانند کتاب *اخلاق در قرآن* مکارم، *فرهنگ قرآن* و سایر کتاب‌های دانشنامه‌ای و فرهنگ‌نامه‌ای، اصلاً نظامی بر اساس روابط چندگانه انسان طراحی نکرده‌اند. ثالثاً به اعتبار رویکرد ایجابی و سلبی به



مسائل اخلاقی نیز آسیب‌هایی وجود دارد؛ به گونه‌ای که در برخی از این کتاب‌ها رویکرد ایجابی حاکم است و تنها از بایدها و فضایل سخن گفته‌اند و از نبایدها یا ردایب سخنی به میان نیاورده‌اند؛ مانند *احیاء العلوم* در قسمت ربع عبادات و عادات، یا کتاب *اخلاق در قرآن* مصباح یزدی و *موسوعه اخلاق القرآن*.

۴- «اهداف اخلاق در قرآن» نیز در هیچ یک از این کتاب‌ها به‌عنوان یکی از ارکان نظام اخلاقی قرآن توجه جدی به آن نشده و برخی نیز مانند *اخلاق در قرآن* مصباح یزدی و مکارم و ...، به اختصار آن را مطرح نموده‌اند.

۵- خروج از محوریت قرآن و تمرکز نداشتن بر آیات اخلاقی قرآن و استفاده از روایات یا آراء بشری در کتاب‌هایی که باید محور مباحث آن قرآن باشد؛ مانند کتاب *احیاء العلوم، اخلاق در قرآن* مکارم، *مراحل اخلاق، موسوعه اخلاق القرآن* و *فرهنگ قرآن*.

با توجه به آسیب‌ها و نواقصی که بیان شد، و با عنایت به اینکه قرآن «تبیان کل شیء» و کتاب هدایت و از جمله هدایت‌بخش در زمینه مسائل اخلاقی برای همه انسان‌ها و در همه زمان‌هاست، نظام پیشنهادی اخلاق قرآنی ارایه گردید که این نظام، آموزه‌های اخلاقی قرآن را در شکل هرم یا مخروط و مشتمل بر یک قاعده، یک بدنه و یک رأس طبقه‌بندی نموده است. بر این اساس، قاعده این نظام، مبانی اخلاق در قرآن و بدنه آن، اصول اخلاقی قرآن و رأس آن، اهداف اخلاق در قرآن خواهد بود. چنین نظامی که به لحاظ شکلی و محتوایی دارای چنین جامعیتی است، می‌تواند همه زوایای حیات فردی و اجتماعی بشر را سامان داده و اخلاق قرآنی را پاسخگوی همه نیازهای انسان تنشه معنویت و اخلاق در عصر حاضر کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- گفتنی است ایشان افزون بر آیات قرآن که در هر عنوان و موضوعی در ابتدا به آن استناد و استشهاد می‌کند، به روایات نبوی و آثار بزرگان و صحابه و مکاشفات اهل کشف و همچنین عقل نیز استناد می‌کند. در اینجا به دلیل اینکه وی در صدد بوده هر یک از عناوین کتاب خود را در ابتدا با آیات قرآنی مستند کند، از کتاب ایشان به‌عنوان یکی از

کتاب‌های اخلاق قرآنی یاد شده است؛ به‌ویژه اینکه کتاب *جواهر القرآن* وی ناظر به این کتاب بوده و در واقع به‌نوعی مکمل آن است.

۲- این کتاب را جناب آقای محمدرضا عطایی به فارسی ترجمه و شرکت به‌نشر وابسته به آستان قدس رضوی آن را در سال ۱۳۸۷ با عنوان «*آیین اخلاق در قرآن*» چاپ کرده است.

۳- به‌گفته مؤلف، این کتاب ویرایشی جدید همراه با اصلاحات کلی و با تجدید نظر بنیادین از کتاب پیشین ایشان با نام «*ساختار اصطلاحات اخلاقی در قرآن*» است که دانشگاه کیو در توکیو در سال ۱۹۵۹ به چاپ رسانده است.

۴- این کتاب را انتشارات فرزانه روز در سال ۱۳۷۸ با ویراستاری جدید و اضافات و اصلاحات با عنوان «*مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید*» تجدید چاپ کرده است.

۵- این کتاب را انتشارات تازه‌نگاه در سنندج با عنوان «*دایرة‌المعارف اخلاقی قرآن*»، در طی چند سال در شش جلد با ترجمه آقای محمد بهاء‌الدین حسینی منتشر کرده است.

۶- به‌گفته مؤلف، بخش دوم از مباحث اخلاقی قرآنی، با عنوان اخلاق ذمیمه است که در آینده تألیف خواهد شد. این کتاب را انتشارات مطبوعات دینی در سال ۱۳۸۹ چاپ کرده است.

۷- کتاب *الکشاف الموضوعی للقرآن الکریم*، با تهیه و تنظیم آقایان آصف هاشمی و سلیمان موسوی با هفت محور اصلی، یعنی: ۱- مبدأ، ۲- معاد، ۳- اسماء و اوصاف خدا، ۴- نبوت و انبیا، ۵- معرفت انسان، ۶- منجیات انسان، ۷- مهلکات انسان، و شامل ۹۵۳ موضوع اصلی و ۴۱۴۸ عنوان فرعی و ۱۵۹۸۱ عبارت قرآنی را مؤسسه دارالقرآن الکریم قم در سال ۱۴۱۹ قمری و ۱۳۷۷ شمسی، در پنج جلد چاپ کرده است.

۸- این کتاب در قسمت «*الاخلاق الحمیده*»، ۳۱ عنوان اخلاقی را بدون ترتیب الفبا، از «*السلوک الحسن*» تا «*الوفاء بالعهد*» و در قسمت «*الاخلاق الذمیه*»، ۵۴ عنوان رذیله اخلاقی را بدون ترتیب الفبا، از «*مساوی الاخلاق*» تا «*البغاء*» ذکر کرده است. این کتاب را مؤسسه انتشارات دارالعلم در سال ۱۴۲۷ قمری در قم چاپ کرده است.

۱۲- گفتنی است در کتاب *دانشنامه امام علی (علیه السلام)*، صفحه ۱۰۲، مقاله «مبانی و نظام اخلاق»، نوشته احمد دیلمی، و کتاب *اخلاق اسلامی*، صفحه ۶۴، نوشته احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی، برای اخلاق اسلامی ساختار کلانی را مشتمل بر سه بخش مبانی اخلاق، اخلاق توصیفی و اخلاق تربیتی پیشنهاد داده است که در بخش اخلاق توصیفی و



هنجاری، مفاهیم اخلاقی بر دو قسمت مفاهیم عام اخلاقی و مفاهیم خاص اخلاقی تقسیم شده است. مفاهیم عام اخلاقی آن دسته از فضایل و رذایل اخلاقی‌اند که به صورت صفت و ملکه نفسانی هستند و اختصاص به حوزه خاصی از زندگی انسان ندارد. این مفاهیم نیز به دو بخش صفات نفسانی هدایت‌گر مانند ایمان، و صفات نفسانی عمل‌کننده و کارگزار تقسیم شده است که صفات عمل‌کننده در هفت دسته جای گرفته‌اند. این صفات عمل‌کننده، جهت‌گیری نفس را در هفت چیز بیان می‌کنند: جهت‌گیری نفس نسبت به ۱- خدا؛ مانند توکل و تسلیم، ۲- معاد و سرانجام زندگی؛ مانند خوف و رجا، ۳- خود؛ مانند عجب و عزت نفس، ۴- آینده؛ مانند آرزو و تسویف، ۵- مواهب دنیوی؛ مانند زهد و حرص، ۶- دیگران؛ مانند خیرخواهی و حسادت، ۷- تعدیل نفس و مفاهیمی که بیانگر بازدارندگی نفس‌اند؛ مانند قوت نفس و صبر. مفاهیم خاص نیز مفاهیمی هستند که مربوط به حوزه رفتار انسان‌اند و حوزه خاصی از زندگی انسان مانند حوزه زندگی اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، بهداشتی و علمی را دربر می‌گیرد. بنابراین در این دو کتاب که تنها مفاهیم عام و نه مفاهیم خاص توضیح داده شده است، ساختار کلی اخلاق توصیفی به شکل مخروط بدین شکل بیان گردیده است: در قسمت پایین و قاعده: صفات نفسانی هدایت‌گر (ایمان)، در قسمت بالاتر: صفات نفسانی عمل‌کننده، و در قسمت بالاتر از آن: حوزه‌های رفتاری، و در نهایت در رأس مخروط: مقام خلیفه‌اللهی (قرب الهی) آمده است. از آنجا که این مطالب با رویکرد قرآنی مطرح نشده، بلکه بیشتر از نگاه امام علی علیه السلام و روایات بررسی شده و به عبارتی، این ساختار و نظام درباره ساختار نظام اخلاقی قرآن نیست، بلکه ساختار نظام اخلاق اسلام است که بخشی از نظام اخلاقی اسلام، نظام اخلاق قرآن می‌باشد، در این مقاله به نقد و ارزیابی آن پرداخته نشد.

۱۰- در زبان عربی «نظام» به رشته و نخ‌ای که دانه‌های مروارید را به هم متصل می‌کند، می‌گویند (ابن منظور، ۵۷۸/۱۲). واژه نظام در زبان فارسی معمولاً معادل واژه سیستم (system) در انگلیسی به کار می‌رود.

۱۱- برای آگاهی بیشتر از عناصر تشکیل‌دهنده نظام و ویژگی‌های آن و همین‌طور مجموعه منظم رک: سبحانی، ۶۴ و ۲۰؛ جمعی از نویسندگان، ۳۲۲؛ دیلمی، طبیعت و حکمت، ۵۹.

۱۲- درباره تعداد مفاهیم اخلاقی که در محمول گزاره‌های اخلاقی به کار می‌روند، میان فیلسوفان اخلاق اختلاف نظر است، ولی معمولاً مفاهیم اخلاقی را در این هفت مفهوم

منحصر می‌کنند و سایر مفاهیم اخلاقی مانند مطلوب و نامطلوب، ارزشمند و غیرارزشمند، شایسته و ناشایسته، سزاوار و ناسزاوار، حق و ناحق، پسندیده و ناپسند، قابل ستایش و قابل نکوهش، فضیلت‌مند و رذیلت‌مند و ... را به یکی از مفاهیم هفت‌گانه ارجاع می‌دهند. برای شناخت بیشتر از مفاهیم اخلاقی، ر.ک: مصباح یزدی، ۵۳ و ۶۵؛ امید، ۵۰۸؛ ملکیان، ۱۴؛ فرانکنا، ۳۶؛ مصباح، ۷۱ و ۸۵.

۱۶- درباره اخلاق فردی و روابط انسان با خود، مفاهیم و عناوین متعددی می‌توان ذکر کرد که در بیانی جامع، این عناوین در مقاله «بررسی کتاب رفتار اخلاقی انسان با خود»، نوشته محمد عالم‌زاده نوری، صفحه ۱۵۰ برشمرده شده است.

۱۴- برای رابطه انسان با دیگران فروعی وجود دارد که در جای خود باید به آن پرداخت. برخی، این رابطه‌ها را این‌گونه بیان داشته‌اند: *رابطه فرد با فرد: اخلاق اجتماعی به معنای خاص، *رابطه فرد با خانواده: اخلاق خانواده، *رابطه فرد با جامعه (به هیئت اجتماعی و صورت ترکیبی‌اش): اخلاق جامعه‌ساز، قانونمداری، ظلم‌ستیزی، دخالت در تعیین سرنوشت و ...، *رابطه فرد با انسان کامل (نبی و امام معصوم): اخلاق ولایت، *رابطه فرد با ولی فقیه و حاکم اسلامی، *رابطه فرد با اعضای صنف: اخلاق صنفی و حرفه‌ای، *رابطه جامعه با فرد، *رابطه جامعه با جامعه (مثل رابطه امت اسلام با جوامع کفر): اخلاق بین‌المللی، *رابطه جامعه با خانواده و سایر نهادهای اجتماعی (عالم‌زاده نوری، ۱۴۲).

۱۵- برای رابطه انسان با جهان پیرامون و عالم هستی فروعی وجود دارد که در جای خود باید به آن پرداخت. برخی این رابطه‌ها را این‌گونه بیان داشته‌اند: *رابطه انسان با امور غیبی و عوالم دیگر (فرشتگان، جنیان و ...)، *رابطه انسان با محیط زیست طبیعی، *رابطه انسان با محیط شهری (ساختمان‌ها، خیابان‌ها، اماکن خصوصی، عمومی و ...)، *رابطه انسان با مصنوعات بشری (تکنولوژی، ماشین آلات، سخت‌افزارها و ...)، *رابطه انسان با نعمت‌های دنیا (ثروت، شهرت، مقام، امکانات، رفاه و ...) (همان).

۱۶- برای توضیح کامل این نظام چهل وجهی، ر.ک به: مقاله نویسنده با عنوان «گزاره‌های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام‌مندسازی آن»، در مجله پژوهشنامه اخلاق، صفحه ۴۵.

۱۷- با توجه به چهار خرده‌نظام بندگی، فردی، اجتماعی و جهان پیرامون که تشکیل‌دهنده و زیرمجموعه نظام اخلاقی قرآن در قسمت بدنه نظام هستند، ابتدا باید برای هر یک از



این خرده‌نظام‌ها، اهداف را استخراج و سپس این اهداف جزئی را به عنوان اهداف کلی نظام تجمیع کرد.

۱۸- ناگفته نماند بهره‌مندی از روایات معصومین علیهم‌السلام در فهم و تفسیر آیات قرآن و برخورداری از سرچشمه زلال و پاک مفسران واقعی قرآن و قرآن‌های ناطق، منافاتی با مرزبندی و عدم تداخل دیدگاه‌های قرآن و روایات در مقامی که صرفاً نگاه قرآن تبیین می‌شود، ندارد.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، محمدبن مكرم؛ لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۲. اعرافی، علی‌رضا؛ فقه تربیتی (مبانی و پیش‌فرض‌ها)، تحقیق و نگارش: سید علی موسوی، قم، مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ش.
۳. امامی، عبدالنبی؛ فرهنگ قرآن؛ اخلاق حمیده، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۹ش.
۴. امید، مسعود؛ فلسفه اخلاق در ایران معاصر، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸ش.
۵. ایزوتسو، توشیهیکو؛ ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، بی‌جا، قلم، ۱۳۶۰ش.
۶. جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه؛ تأثیر اخلاق در اجتهاد، به کوشش سعید ضیائی‌فر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴ش.
۸. _____؛ مراحل اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
۹. چرچمن، چارلز وست؛ نظریه سیستم‌ها، ترجمه رشید اصلانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵ش.
۱۰. دراز، محمد عبدالله؛ دستور الاخلاق فی القرآن؛ دراسة مقارنة الاخلاق النظرية فی القرآن، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۱. دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود؛ اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳ش.
۱۲. دیلمی، احمد؛ طبیعت و حکمت (پژوهشی در برهان نظم)، قم، معارف، ۱۳۷۶ش.
۱۳. رشاد، علی‌اکبر؛ دانشنامه امام علی علیه‌السلام، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.

۱۴. سبحانی، محمدتقی؛ الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۵ش.
۱۵. _____؛ قرآن کتاب اخلاق، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳ش.
۱۶. سراج‌زاده، حسن، «گزاره‌های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام‌مندسازی آن»، پژوهشنامه اخلاق، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۶، ۴۴-۴۵.
۱۷. شریاصی، احمد؛ دایرة المعارف اخلاقی قرآن، ترجمه محمد بهاء‌الدین حسینی، سندج، تازه نگاه، ۱۳۷۹ش.
۱۸. _____؛ موسوعة اخلاق القرآن، بیروت، دارالرائد العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. شریفی، عنایت‌الله؛ اخلاق قرآنی، قم، هجرت، ۱۳۹۰ش.
۲۰. شعار، جعفر؛ فرهنگ‌واره اخلاق در قرآن، تهران، قطره، ۱۳۹۳ش.
۲۱. عالم‌زاده نوری، محمد؛ «بررسی کتاب رفتار اخلاقی انسان با خود»، فصلنامه نقد کتاب، سال اول، شماره ۳-۴، ۱۳۹۴، ۱۳۹-۱۵۴.
۲۲. عبدالمنان، حسان؛ المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۴۲۷ق.
۲۳. عطایی، محمدرضا؛ آیین اخلاق در قرآن، مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۷ش.
۲۴. غزالی، ابو‌حامد محمد؛ احیاء علوم الدین، بیروت، دارالجلیل، بی‌تا.
۲۵. _____؛ جواهر القرآن و دُرَره، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۳۲ق.
۲۶. فرانکنا، ویلیام؛ فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه، ۱۳۸۳ش.
۲۷. فهیم‌نیا، محمدحسین؛ مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ش.
۲۹. _____؛ فلسفه اخلاق، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱ش.
۳۰. مصباح، مجتبی؛ بنیاد اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ اخلاق در قرآن، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
۳۲. ملکیان، مصطفی؛ مهر ماندگار، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۵ش.
۳۳. مهدوی‌کنی، صدیقه؛ ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ش.